فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲۷

دکتربدرالسادات علیزاده مقدم، استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور اصفهان **Dr. B. Alizadeh**
احترام شکریان، کارشناس ارشد تاریخ ایران در دوره اسلامی، دانشگاه پیام نور اصفهان **E. Shekarian**
balizmoghadam@yahoo.com

جغرافیای تاریخی بندر ریشهر از عهد باستان تا سقوط سلسلهٔ ساسانی

دریافت مقاله: ۹۶/۴/۲۲ پذیرش نهایی: ۹۶/۷/۲۲

DOI: 10.29252/geores.32.4.175

چکیده

ریشهر نام بندر باستانی است که در کناره آب‌های گرم خلیج‌فارس قرار دارد این بندر که امروز قسمتی از قلمرو جغرافیایی استان بوشهراست، در ادوار قدیم تاریخ پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است.در آثار و کتیبه‌های به‌جامانده به این منطقه با عناوینی چون لیان، بوخت اردشیر، ریواردشیرو سرانجام ریشهر اشاره‌شده است. این منطقه در طول عهد باستان نه‌فقط به لحاظ جغرافیایی و استراتژایکی بلکه به لحاظ اقتصادی و فرهنگی نیز از جایگاه ویژه‌ای در حیات ایران باستان برخوردار بوده است. با سقوط سلسله ساسانی ریشهر نیز مرکزیت و اهمیت خود را در جغرافیای خلیج‌فارس از دست داد و پس‌ازآن در منابع جغرافیایی به‌ندرت به آن اشاره گردیده است. در این مقاله ضمن بررسی اهمیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و تجاری ریشهر در عهد باستان به بررسی علل افول این بندر در جریان سقوط سلسله ساسانی پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: جغرافیای تاریخی، ریشهر، عهد باستان، سلسلهٔ ساسانی.

مقدمه

سواحل خلیج‌فارس یکی از کهن‌ترین مراکز تمدن جهان است. در طول تاریخ شهرهای بندری متعددی در این منطقه ایجاد شدند. شهرهایی که علاوه بر تسهیل ارتباطات تجاری و بازرگانی هرکدام نماد تحولات و پیشرفت برهه‌ای از تاریخ خلیج‌فارس بودند. ازجمله این شهرهای بندری ساحل خلیج‌فارس، شهر قدیمی و باستانی ریشهر بود. این شهر حدوداً" در ۱۲ کیلومتری سمت جنوب شبه‌جزیره بوشهر واقع‌شده است. سابقه‌ی تاریخی درخشان آن بانام «لیان» به دوره عیلام بازمی‌گردد.این منطقه باستانی با گذراندن فرازوفرودهایی، مجدداً در دوره ساسانیان درزمینه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی بانام «ریشهر» ظهور می‌کند. این بندر در دوره ساسانی یکی از مراکز مهم صدور مروارید خلیج‌فارس به هندوستان و آفریقا به شمار می‌رفته است؛ اما پس از هجوم سپاه اسلام و فتح آن توسط مسلمانان، به مدّت چند قرن تاریخ آن در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود. اگرچه ریشهر به‌عنوان نقطه‌ی سوق‌الجیشی در خلیج‌فارس از دیرباز از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ اما کمبود و فقر منابع، پژوهشی پیوسته و منسجم درباره تاریخ این منطقه در دوره‌ای خاص و محدود را با دشواری روبرو ساخته است. بر همین اساس این پژوهش بر آن است، تا سیر جغرافیای تاریخی بندر مهم و استراتژیکی ریشهر از ایران باستان تا ورود اسلام و سپس افول این شهر بندری را موردبررسی قرار دهد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

تحولات جغرافیایی بندر ریشهر از عهد باستان تا دوره هخامنشی

جستجو در منابع گویای آن است که منطقهٔ جغرافیای که در دوره ساسانی به‌عنوان ریشهر در اکثر منابع بدان پرداخته‌شده است. برای نخستین بار در عهد باستان به عنوان لیان بدان اشاره‌شده است. استفاده از نام «لیان» جهت قدیمی‌ترین ناحیه شهر بوشهر به دوره عیلامی‌ها بازمی گردد. به لحاظ جغرافیایی به نظر می‌رسد، که لیان در مناطق مرکزی و متمایل به جنوب شبه‌جزیره بوشهر کنونی یعنی سبز آباد، دستک، رایانی قرار داشته است .با این‌حال با توجه به فقر منابع تعیین موقعیت دقیق لیان و وسعت اولیه و مناطق تحت سیطره آن، هنوز کاملاً روشن نیست. برخی از مورخان معتقدند که منطقه لیان در ناحیه جنوب شرقی و در کناره‌های ساحلی خلیج‌فارس امتداد داشته و مرکز اصلی آن شبه‌جزیره کنونی بوشهر بوده است.(گریشمن،۱۳۶۶: ۳۹)[1] به‌عبارتی‌دیگر می‌توان گفت که قدیمی‌ترین نام قسمتی از شبه‌جزیره در طول تاریخ که امروزه ما از آن اطلاع داریم، احتمالاً «لیان» بوده است. قبل از کاوش‌های باستان‌شناسی در اوایل قرن بیستم نقش شهری به نام لیان در تاریخ عیلام ناشناخته بود. اما بر اساس حفاری‌های باستان‌شناختی موریس پزار فرانسوی در سال (۱۹۱۳م) در نواحی «تل پی تل»[2]، امامزاده و سبز آباد حدس زده شد، که در عصر عیلامی‌ها این منطقه شبه‌جزیره، «لیان» نامیده می‌شده است. وی موفق به کشف سنگ‌نوشته‌هایی شد، که نام «لیان» بر آن‌ها حک‌شده بود. این سنگ‌نوشته‌ها متعلق به پادشاهان معروف عیلامی نظیر «هومبان ــ نومنا» «شوتروک ناهونته» و «شیلهاک ــ این شوشیناک» بود (یاحسینی،۱۹:۱۳۸۷)

درباره معنی کلمه «لیان» حدس و گمان‌هایی زده‌شده است؛ نظیر: اینکه کلمه لیان در اصل واژه‌ای است بابلی، به معنای «آفتاب درخشان» که از بین‌النهرین وارد حوزه تمدنی عیلام شده است. و یا اینکه «لیان» به معنی آفتاب درخشان و تابان و به معنی فروغ و روشنایی آینه هم هست (حمیدی، ۵۷۹:۱۳۸۰) همچنین برخی لغت‌شناسان نیز «لیان را به معنی مشعشع و درخشان ذکر کرده‌اند.» (معین، ۱۳۷۴: ۳۶۶۱).

تحول اسمی و جغرافیایی ریشهر(لیان) از دوره هخامنشیان تا دوره ساسانی:

بر اساس شواهد و مدارک، محدوده جغرافیایی لیان در عصر هخامنشیان، جزء ساتراپ‌نشین (استان) پارس محسوب می‌شده است. چراکه با دست‌یابی کوروش بر سرزمین عیلام، لیان نیز به‌عنوان بخشی از این سرزمین، به تصرف هخامنشیان درآمد. اهمیت این واقعه از آن بود که با شکست عیلام و دسترسی هخامنشیان به خلیج‌فارس در جنوب فلات ایران، پارسیان نخستین بار به دریا دست یافتند. (نبی پور، ۱۳۸۲: ۲۰)

کوروش در اواخر عمر خود دستور ساخت، یک کاخ باشکوه در کرانه‌های شمال خلیج‌فارس را صادر کرد. این کاخ، که در مراحل اولیه ساخت آن احتمالاً به دلیل مرگ کوروش متوقف شد، در منطقه «چرخاب» دشتستان قرار داشت که این ناحیه از توابع استان بوشهر امروزی می‌باشد، . اگرچه این کاخ در حال حاضر در سی کیلومتری خلیج‌فارس قرار دارد اما در دو هزار و پانصد سال قبل، احتمالاً کنار خلیج‌فارس و در محدودهٔ قلمرو عیلامی‌ها قرار داشته است. علت این فاصله نیز طی قرون و اعصار به دلیل عقب‌نشینی دریا و آبرفت‌های فراوان آن بوده است. (سرفراز، ۱۳۸۳: ۳) اگرچه هنوز باستان‌شناسان در باب نام این منطقه در عصر هخامنشی به پاسخ صریح و دقیقی دست نیافته‌اند، اما اگر توجه داشته باشیم، که جنوب غربی ایران و قلمرو سنتی عیلام، در عصر هخامنشی نیز کم‌وبیش به حیات فرهنگی، مذهبی و اجتماعی خود ادامه می‌داده است؛ می‌توان حدس‌هایی دراین‌باره زد.

1 Girishman
2 Tol pay Tol

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

درواقع به نظر می‌رسد مقدمات تغییر نام لیان به ریشهر برای نخستین بار در همین دوره هخامنشیان مهیا شده است. در این جهت برخی باستان‌شناسان ازجمله موریس پزار مورخ و باستان‌شناس فرانسوی بر این باورند، که در دوره هخامنشی این منطقه به نام "ریشا" خوانده می‌شده است. پزار معتقد است که کلمه ریشا از کی.ری.ری.شا (الهه موردستایش در این ناحیه) گرفته‌شده است. (پزار، ۱۳۸۴: ۴۵)

سقوط سلسله هخامنشیان توسط اسکندر مقدونی، مرحلهٔ دیگری در تغییر نام منطقهٔ لیان بود. چنانکه در این دوره در منابع با اسامی یونانی نظیر : مزامباریا، یوناخا، انطاکیه و کرسونئوس به این منطقه اشاره‌شده است. اسکندر در جریان کشورگشایی‌هایش بران شد که از کرانه سند به دریای پارس برود. آنگاه جهازاتی تحت فرماندهی امیرالبحر خود بنام نئارخوس[1] یا نئارک [2] را برای شناسایی کرانه‌های خلیج‌فارس به آن نواحی اعزام کرد (گریشمن، ۱۳۷۵: ۲۴۸). اسکندر هنگام عزیمت نئارخوس خدای دریاها را نیایش کرد و از او چنین خواست: «ای خدای قادر، دریانوردی نئارک را در دریای پارس تا مصب دجله حمایت کن، و او را سالم بازگردان» (اقتداری، ۱۳۴۴: ۴۸). در حقیقت مأموریت نئارخوس شناسایی سواحل، لنگرگاه‌ها و دیدار از شهرهای دریایی طول مسیرش بوده است. نئارخوس سرتاسر بخش ساحلی استان فعلی بوشهر و برخی دیگر از مناطق را گشت و ماحصل مشاهداتش را در سفرنامه‌ای به زبان یونانی نگاشت. نئارخوس در سفرنامه خود تصریح می‌کند، که از زمان باستان بین سواحل خلیج‌فارس و هندوستان ارتباط و دادوستد برقرار بوده است، اما همواره جنگ و جدال و زدوخورد هم در خلیج‌فارس رونقی داشته است. (رکن زاده آدمیت، ۱۳۶۹: ۱۵۲) وی همچنین اشاره می‌کند که هیچ‌یک از سواحلی که پیمودم مانند سواحل خلیج‌فارس پر کشت و زرع نیست. عطر و ادویه از عربستان، از راه دریای پارس می‌آوردند و به بابل می‌بردند.در سفرنامه نئارخوس ضمن اشاره به منطقه لیان با عنوان "مزامباریا" (مشایخی،۱۳۸۲ :۱۸) گفته‌شده که این منطقه هم ازنظر تجاری، فرهنگی و هم کشاورزی از رونق قابل توجهی برخوردار بوده است (مستوفی، بی‌تا: ۵۴) .

در دوره سلوکیان در کنار شهرهای متعددی که در ایران و کناره‌های خلیج‌فارس ساخته شد، شهری نیز در مکان ریشهر سابق و یا در کنارهٔ آن بنا شد که از آن در منابع بنام انطاکیه یادکرده‌اند. در این مورد یکی از مورخان یونانی بنام «پلین» نوشته، که در جنوب و نزدیک خلیج‌فارس، اسکندر چند شهر ساخت که یکی از آن‌ها «انطاکیه خاراکس»[3] بوده است. (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۲۱۱۳ و دیاکونوف، ۱۳۸۲ :۱۸۸)

رومن گریشمن نیز بر این باور است، که «انطاکیه» همان شهر ساخته‌شده در شبه‌جزیره بوشهر بود. او دراین‌باره می‌نویسد:

«از سوی دیگر بنادری در ساحل دریا برای آنان لازم بود. سلوکیان کمتر از نه شهر در ساحل خلیج‌فارس بنا کردند و از آن جمله است انطاکیه در پارس ــ بوشهر امروزــ که جانشین شهر کهن عیلامی گردید» (گریشمن، ۲۶۲:۱۳۷۲).

همچنین در برخی متون، از شهری به نام «یوناخا» سخن رفته و برخی سعی کرده‌اند آن را با بندر ریشهر منطبق کنند (یاحسینی، ۳۱:۱۳۸۷). سید جعفر حمیدی در «فرهنگ‌نامه بوشهر» از نام یونانی یوناخا برای ریشهر نام‌برده است؛ وی همچنین در کتاب «استان زیبای بوشهر» دراین‌باره می‌نویسد:

«در ساحل خلیج‌فارس نیز [سلوکیان] نه شهر را بنا کردند، که می‌توان گفت: مهم‌ترین آن‌ها شهری بوده، که در منطقه بوشهر امروز به نام «یوناخا» تأسیس کردند، که در حقیقت این شهر جانشین «لیان» عیلامی بود، و ایسیدروس مورخ خاراکسی قرن اول

1 Nearchus

نئارخوس از نزدیکان و دوستان قدیمی اسکندر به شمار می‌رفت و اسکندر بی‌جهت مقام دریاسالاری سپاهیانش را به وی نبخشیده بود. او در کرت(۳۰۰-۳۶۰ ق.م) چشم به جهان گشود. در مقدونیه رشد یافت... .او پس از به قدرت رسیدن اسکندر، در لشکر کشی به امپراطوری هخامنشی وی را همراهی کرد؛ و بعدها به مقام دریاسالاری اسکندر رسید. او مأموریت یافت، تا به شناسایی سواحل، لنگرگاه‌ها و شهرهای ساحلی طول مسیرش بپردازد. اسکندر برای تقدیر از کار او در شوش نیم تاجی زرین بر سر او گذاشت. (کیاراد و علی بابائی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶: ۹۶)

2 Neargue
3 Antiochede Chara

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

میلادی نیز از این شهر نام‌برده است. این شهر ازجمله نه شهری بود، که سلوکیان در پارس مخصوصاً در سواحل خلیج‌فارس بنا کرده بودند، بیشتر این شهرهای سلوکی دارای قلعه‌هایی بودند، که ساکنان یونانی شهرها در هنگام خطر به آن‌ها پناه می‌بردند.» (حمیدی، ۱۳۸۴: ۳۹؛ حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۰).

برخی از جغرافی‌نویسان نیز واژه یونانی «کرسونئوس» را نام دیگری برای بندر ریشهر دانسته‌اند که در همین دوره سلوکی متداول بوده است. ازجمله محمدحسنمان اعتمادالسلطنه که در کتاب خود تحت عنوان «تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید»[1] به این نکته است. وی در این اثر درباره تطبیق «کرسونئوس» با ریشهر می‌نویسد:

«کرسونئوس: اسم بندر ریشهر است که در پَهلُوی بندر بوشهر می‌باشد.» (اعتمادالسلطنه، ۸۲۳:۱۳۷۱)

پس از گذار از دوره سلوکی و رسیدن به دوره اشکانی علی‌رغم اهمیت سواحل خلیج‌فارس و به طبع آن منطقه ریشهر، نام این منطقه، در منابع جغرافیایی این دوره ذکر نگردیده است. حتی در نقشه‌هایی که از عصر پارت‌ها، توسط مورخان عصر جدید، رسم شده به‌جز نام «خاراکس»[2](منطقه‌ای در شمال خلیج‌فارس) هیچ نام دیگری در حوزه کرانه‌های شمالی خلیج‌فارس نیامده است (کالج، ۱۳۸۰ : ۱۴). به نظر می‌رسد که در این دوره توجه خاصی نسبت این منطقه مبذول نشده است. شاید این نیز نشان از رکود رونق اقتصادی ریشهر در این دوره باشد. به نظر می‌رسد که در حدفاصل سلطه سلوکیان تا بلاش اول، علیرغم سکوت منابع احتمالاً نام‌های یونانی چون مزامباریا، یوناخا یا کرسونئوس در باب منطقه لیان همچنان رایج بوده، و در عصر بلاش اول و به دنبال سیاست هلنیسم‌زدایی از تاریخ و فرهنگ ایران، شاید نام هخامنشی «ریشا» مجدداً رواج پیداکرده باشد. در دوره ساسانیان بار دیگر شرایط جهت شکوفایی مجدد ناحیه لیان یا ریشا و ظهورکامل نام ریشهر و تطبیق آن بر قسمتی از استان بوشهر کنونی فراهم شد. حمدالله مستوفی درباره ریشهر و «تجدید بنای» آن توسط اردشیر بابکان، در نزهت‌القلوب نوشته است:

«زیضهر، پارسیان آن را ریشهر خوانند، و بر بیان (بربیان، بریان) معروف است، لهراسب کیانی ساخت و شاپوربن‌اردشیر بابکان تجدید عمارتش کرد» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۳۰).

موسی خورنی نیز در کتاب «شهرستان‌های ایران» درباره نام این منطقه در عصر ساسانیان نوشته است:

«پارس که «کوست نیمروز» نامیده می‌شود، در قسمت شرقی خوزستان و مجاور سرزمین ماد قرار دارد. دارای استان‌های کوچکی است، و نیز دارای رودخانه‌ها و جزایر بسیار و شهرهای متعدد است. ازجمله می‌توان از «ری‌شیرپهرسن[3]» نام برد که در آنجا مرواریدهای فراوان و «مرواریدهای سنگ میزان» بسیار وجود دارد (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۳۳) . بر این اساس موسی خورنی با صراحت نام این شهر را در عصر ساسانیان «ری‌شیرپهرسن» دانسته است. پروفسور یوزف مارکوارت درباره معنای این کلمه نوشته است: «ری‌شیرپهرسن» در پارسی «ریشهر پهرسان (شهر نگهبان) با پسوند: ــ سان» به‌جای ستان، به معنای «ایستگاه گمرک» است. درواقع در اینجا منظور شهری است که اعراب آن را «ریشهر» می‌نامند. این شهر در اصل «ریو ــ اردشیر» بود که در نزدیکی «توّج» قرار داشت و ویرانه‌های آن در بوشهر کنونی قرار دارد (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۴۶) .

۱. دُرَر التیجان فی تاریخ بنی اشکان

2 Charax
3 Resir-I-Pahrsan

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

موقعیت سیاسی، تجاری و فرهنگی ریشهر(لیان) در دوره عیلام

حکومت عیلام یکی از دوره‌های تاریخ پرفرازونشیب ایران،، پیش از ورود اقوام آریایی، در سرزمین‌های غرب و جنوب غربی ایران بوده است. منطقهٔ عیلام از مجموعه نواحی مختلف ازجمله منطقه شیریهوم تشکیل‌شده بود. وسعت جغرافیایی این ناحیه از حدود بندر دیلم (در منتهی الیه شمال استان بوشهر) تا نواحی جنوبی استان بوشهر کنونی بود، و از شرق تکیه‌بر دامنه‌های غربی کوه‌های زاگرس جنوبی داشت. این ناحیه با مرکزیت شهر لیان (ناحیه‌ای از بوشهر کنونی) از جنبه‌های مختلف مذهبی، تجاری و نظامی حائز اهمیت بوده است (پزار، ۱۳۸۴ : ۱۰).

به‌طورکلی مملکت عیلام شامل خوزستان، لرستان، پشت کوه و بخشی از پارس یعنی انشان یا انزان بود؛ که از شمال به حدود کرمانشاه، از غرب به دجله و از جنوب در سواحل خلیج‌فارس به لیان یعنی ناحیه‌ای از بوشهر کنونی می‌رسید (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۱۳۰).

دوره درخشان و جلوه‌گری تمام‌عیار لیان مربوط به عیلام میانه یا عصر طلایی عیلام می‌باشد (۱۴۵۰-۱۱۲۰ ق.م). در این دوره دو سلسله بنام، ایگ هلگی (۱۳۵۰-۱۲۱۰ ق.م) و شوتروکی (۱۲۰۵- ۱۱۱۰ ق.م) به قدرت رسیده‌اند. اسناد و کتیبه‌هایی که از این دو سلسله بر جای باقی‌مانده، نشان‌دهنده توجه خاص پادشاهان این دوره از تاریخ ایلام به لیان می‌باشد و کمتر پادشاهی بود که وقف یا تعمیراتی در پرستشگاه شهر لیان نکند و یا کتیبه‌ای در این زمینه در لیان به یادگار نگذارد (هینتس، ۱۳۷۱ : ۱۳۶).

شیلهک این شوشینک از پادشاهان سلسله شوتروکی کتیبه‌ای در لیان به یادگار گذاشته که در جریان کاوش‌ها و حفاری‌های موریس پزار در بوشهر کشف گردید. در اواخر دوره عیلام میانه احتمالاً منطقه لیان، دیگر در اختیار پادشاهان عیلام نبوده، زیرا در هیچ‌یک از آجرهای کتیبه دار ذکری ازلیان نمی‌شود (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۲۷). به نظر می‌رسد این مسئله به‌منزله تصرف لیان به‌وسیله یک دولت خارجی نبود، بلکه ازآن جایی که این پادشاهان به‌طور دائم درگیر جنگ با پادشاهان زورمدار آشوری و بابلی بودند، در این برهه کمتر توانستند به مناطق جنوبی قلمرو امپراطوری به‌ویژه شیریهوم و لیان توجه نمایند.

با پایان یافتن سلطنت شوتروکی‌ها، دوره عیلام نو (۷۴۰ - ۶۴۰ ق.م) که در حقیقت واپسین دم حیات سیاسی عیلام می‌باشد، شروع می‌شود. در این دوره در مورد لیان و نقش آن در تاریخ عیلام اطلاع چندانی نداریم زیرا هیچ کتیبه و گل نوشته‌ای در این منطقه به دست نیامده است (اکبری، ۱۳۸۱: ۲۳). به‌این‌ترتیب سلسله عیلام نو توسط آشوربانی پال منقرض شد و حیات سیاسی عیلام برای همیشه خاتمه یافت و به دنبال آن شیریهوم ولیان هم تمام خاطرات خود را در دل خویش خاموش نگه داشته شد و دیگر در تاریخ ایران به این نام ظاهر نشدند. به‌طورکلی با توجه به اوضاع سیاسی عیلام چنین به نظر می‌رسد که لیان در ادوار مهم تاریخ عیلام از جهات مختلف موردتوجه سلسله‌های مختلف تاریخ عیلام بوده است. سلاطین این سلسله‌ها همواره سعی در نگاهداری و حکمرانی آن داشته‌اند. به همین دلیل است که کتیبه‌های متعددی از پادشاهان عیلام در این منطقه به‌دست‌آمده است.

اهمیت دیگر لیان در دوره عیلام به لحاظ اقتصادی بود. نام بندری لیان در تمام متونی که در معبد «کی.ری.شا»[1] در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی در بوشهر به‌دست‌آمده است به چشم می‌خورد. قرار گرفتن یکی از مهم‌ترین معابد عیلامی در کرانه‌های خلیج‌فارس، می‌تواند نشان از رونق و رواج تجارت دریایی در هزاره سوم و دوم ق.م در این منطقه باشد. (وثوقی، ۱۳۸۷: ۲۶) در حقیقت لیان یا بوشهر امروزی در ساحل شمالی خلیج‌فارس می‌توانست برای عیلامی‌ها پایگاه دریایی مناسبی باشد. با توجه به مشاغل موجود در مناطق بندری می‌توانی حدس زد که شغل‌های متعدد از قبیل کشاورزی، در لیان بوده که موجب رونق تجارت در این ناحیه شده است. در بخش داخلی لیان که داخل شبه‌جزیره و اطراف آن وجود داشته و یا صیادی و ماهیگیری در حاشیه ساحلی و بخشی هم به تجارت با کرانه‌های جنوبی و هندوستان فعالیت داشته‌اند (اداره فرهنگ و هنر استان بوشهر،۱۳۵۶: ۳) .

در این بندرگاه همچنین کشتی‌های کوچک و بزرگ پهلو می‌گرفته‌اند. دولت عیلام از طریق این بندر، کالاها و مواد موردنیاز خود را صادر و وارد می‌کرد و از موقعیت مناسبی جهت ارتباط و دادوستد با همسایگان ازجمله بین‌النهرین برخوردار بوده است.

1 Kiririsha

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

ازجمله مواردی که از این بندر به‌سوی بابل صادر می‌شد، سنگ قیمتی «دیوریت[1]» و کانه‌های فلزات گران‌بها از ساحل خلیج‌فارس بوده است (کامرون،۱۳۶۵ :۲۸). علاوه بر آن، بندر لیان بر سر راه دریایی شوش به موهنجودارو[2] در هندوستان قرار داشته و از مراکز آباد آن زمان به شمار می‌رفت. چنانکه برخی معتقدند که بندر لیان به‌احتمال قدیمی‌ترین بارانداز سواحل ایران در خلیج‌فارس نیز محسوب می‌شده است (رائین، ۲۵۳۶: ۷۶).

درزمینه نقش فرهنگی لیان در تمدن عیلام قابل‌ذکر است که در سال ۱۹۱۳.م گروه باستان‌شناسی به سرپرستی موریس پزار به بندر بوشهر آمد. در سال ۱۹۱۴.م حاصل پژوهش‌ها و حفاری‌های خود را در شهر لیان در کتابی به زبان فرانسه منتشر کرد. ازجمله لوحه‌های آجری که پزار کشف کرد نوعی الفبای اکدی ــ سومری به زبان عیلامی بود. ظاهراً اولین نمونه این الفبا در شهر لیان کشف‌شده و این نشان می‌دهد که کاتبان لیانی سهم بزرگی در ابداع خط و الفبای عیلامی داشته‌اند. حکاکان لیانی خط تصویری را از اکدی‌ها و سومری‌ها اخذ کرده‌اند، ولی به همین تقلید صرف اکتفا نکردند. آن‌ها خط تصویری سومری را تکامل بخشیدند، آن را هجایی کردند و تا مرز خط میخی پیش بردند. بنابراین لیان را باید پیشتاز ابداع خط میخی در عصر عیلام به شمار آورد. نقشی که در تاریخ تحول و تکامل خط در ایران‌زمین منحصربه‌فرد و یگانه است (یا حسینی، ۱۳۸۶: ۲۹). والتر هینتس درباره تاریخ کتابت کتیبه‌های عیلامی به خط میخی که از اکدی بابلی اقتباس‌شده،چنین می گوید: «تاریخ کتابت کتیبه‌های عیلامی به خط میخی به میانه قرن‌های شانزدهم تا هشتم قبل از میلاد می‌رسد که قدیم‌ترین نوع آن در قسمتی از سنگ‌نوشتهٔ کشف‌شده در «لیان» شهر باستانی عیلام نزدیک ریشهر واقع درکنارهٔ خلیج‌فارس،نشان داده‌شده است (هینتس، ۱۳۷۱ : ۴۲).

بنابراین کاتبان عیلامی ولیانی از فرهنگ نوشتاری پیشرفته‌ای برخوردار بودند و نه‌تنها آریائی‌ها را با خط و کتابت آشنا کردند بلکه در زمان داریوش برای آریایی‌ها و پارس‌ها خط نوشتاری جدید (میخی) ابداع و اختراع نمودند (بویس، ۱۳۷۴: ۱۸). عیلامی‌ها کاتبان خود را «ته پیر»۳ می‌نامیدند. همین واژه در عصر هخامنشیان وارد زبان فارسی قدیم شد. «دبیر» در امپراطوری عیلام کسانی که سمت «ته پیر» را عهده‌دار بودند، قاضی نیز بودند. صدراعظم به‌طور مستقیم و زیر نظر شاه بر امور کاتبان و دبیران نظارت سخت گیرانه‌ای اعمال می کرد (هینتس، ۱۳۷۱ : ۱۰۱). همچنین به نظر می‌رسد که شهر باستانی لیان نیز آرشیو و کتابخانه بزرگی داشته است. لیانی ها مطالب خود را معمولاً روی آجرهای مخصوص یا سفال می‌نوشته‌اند و سپس آجرها و سفال‌ها را حرارت داده و می‌پخته‌اند. در کتابخانه باستانی شهر لیان هزاران آجر نوشته و لوح مربوط به عصر پادشاهان عیلامی در قرون و اعصار مختلف، نگاهداری می‌شده است. بخش بسیار اندکی از این آرشیو در مهروموم‌های ۱۸۷۶.م و ۱۹۱۳.م توسط «اف.سی. آندریاس» و «موریس پزار» کشف و به اروپا منتقل شد، اما قسمت اعظم آن دست‌نخورده در تپه‌های باستانی اطراف ریشهر باقی ماند (یاحسینی، ۱۳۸۴: ۳).

در پایان این مبحث قابل‌ذکر است که شهر لیان تا زمان پادشاهی شیلهاک – اینشوشیناک جزء قلمرو عیلامیان محسوب می‌شد. اما با روی کار آمدن"هوته لودوش–اینشوشیناک" در ۱۱۵۰ ق.م شهر لیان به دست بابلی‌ها افتاد و جزء قلمرو پادشاهی آنان شد (کامرون،۱۳۶۵: ۹۸). کشمکش بر سر حکمرانی این شهر چندی ادامه داشت و چند بار با عیلام دست‌به‌دست شد تا سرانجام نبودکه نصر یکم (بخت‌النصر)در حمله‌ای گسترده و وسیع عیلام و شهر تاریخی لیان را با خاک یکسان کرد و همه مردمان آن را از دم تیغ گذراند. معبد و پرستشگاه کی.ری.ری.شا را غارت و نابود کرد و هر چه بود را به تلی از خاک مبدل کرد. چنانکه به قولی" وی سرزمین عیلام را تسخیر کرد و دارایی آن را غارت کرد.وی دشت و کوه را از ویرانی انباشت و به بیابان مبدل ساخت"(کامرون،۱۳۶۵: ۱۰۱).

1 Diorite

۳. واژه مؤئن به زبان سندی به معنی مردگان و کلمه دارو به معنی تپه بوده، ترجمه مهانجودار و تپه مردگان است. (ویلسون: ۱۳۸۴: ۴۸)

2 Teppir

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

موقعیت سیاسی،تجاری و فرهنگی ریشهر از ظهور هخامنشیان تا سقوط سلسلهٔ ساسانی

بندر ریشهر در زمان هخامنشیان مرکزی برای سیادت و حکمرانی و پایگاهی برای حفظ امنیت و استقرار روابط سیاسی و اقتصادی در آن زمان بود. اهمیت این منطقه در دوره هخامنشی چنان بود که پادشاهان این سلسله کاخ‌های در این منطقه بنا کردند.آثار این کاخ‌ها در ضمن عملیات کاوش در این منطقه به‌دست‌آمده است . ازجمله این آثار تالار ستون‌داری است شامل ۱۲ ستون، در دو ردیف ۶ تایی که از دو نوع سنگ سفید و سیاه‌رنگ ترکیب‌شده است، و از این لحاظ قابل‌مقایسه با کاخ اختصاصی کوروش در پاسارگاد، پایتخت او می‌باشد (سرفراز، ۱۳۸۱: ۱۱). آنچه مسلم است ساخت کاخ در این منطقه توسط پارس‌ها و شاهان هخامنشی نشان از توجه خاص آن‌ها به قلمرو جنوبی خود در خلیج‌فارس دارد؛ و قطعاً این منطقه نیز برای آنان از اهمیت استراتژیکی خاصی برخوردار بوده است، که دولت هخامنشی کاخ پادشاهان خود را در مناطق نزدیک به شبه‌جزیره مستقر می کرده‌اند. چراکه خلیج‌فارس از زمان‌های بسیار قدیم مرکزی برای بازرگانی دریایی میان شرق و غرب محسوب می‌شد. درواقع پس‌ازاین که سواحل خلیج‌فارس تحت تسلط مستقیم پارسیان درآمد، مبادلات دریایی نیز رونق قابل‌توجهی گرفت. (بریان، ۱۳۷۹: ۱۵۸۰)

از طرف دیگر، ایجاد راه دریایی ارتباطی میان مدیترانه، دریای سرخ و خلیج‌فارس و دیگر اقدامات داریوش همچون فرستادن دریاسالاری بنام اسکیلاس[1] به سفر اکتشافی هند (۵۱۸ ق.م) باعث شد، تا خلیج‌فارس و بنادر و سواحل آن در توسعه بازرگانی این دوره اهمیت ویژه‌ای بیابد (داندا مایف، ۱۳۵۸: ۴۷).

بدین ترتیب هخامنشیان از همین ناحیه ساحلی خلیج‌فارس با هندوستان، شام و فلسطین، مصر و شمال آفریقا در تماس بوده‌اند. که این نشان از اهمیت اقتصادی این بندر تاریخی به‌عنوان مدخل تجاری امپراطوری هخامنشی در حوزه خلیج‌فارس و ارتباط با حوزه جنوبی خلیج‌فارس و هندوستان و شمال آفریقا بوده است. همچنین این منطقه از اهمیت سیاسی نیز برخوردار بود. از همین رو پادشاهان هخامنشی تأسیسات مسکونی و تفریحی در منطقه دشتستان برای کنترل مستقیم بر خلیج‌فارس ایجاد کرده بودند. علاوه بر این موقعیت استراتژیک و نظامی ریشهر در سواحل خلیج‌فارس و سواحل مستعد آن جهت پهلو گرفتن کشتی‌ها نقش مهمی در تسهیل لشکرکشی‌های دریایی هخامنشیان و تجدیدقوا توسط آن‌ها ایفا می‌نموده است، در زمان هخامنشیان در همه امور، به ویژه نیروی دریایی ایران دگرگونی‌های شگفت‌انگیزی درراه تکامل و پیشرفت پدیدار گردید و در مدتی کوتاه، قدرت پایداری که تمام خاورمیانه و آفریقای شمالی را در برداشت با نیروی دریایی ارزنده‌ای به وجود آمد. ... همچنین شهریاران هخامنشی به‌ویژه داریوش بزرگ و خشایار شاه ارزش تسلط ایران را بر دریاها و پیوستن کشور را از راه دریا به هند و مصر می‌دانستند و در این راه گام‌های بلندی برداشته بودند؛ چراکه هخامنشیان به‌خوبی دریافته بودند، که ایران برای نگهداری و پاسداری از سرزمین های پهناور خود باید به دریاها فرمانروایی داشته باشند. بنابراین نیروی دریایی نیرومند بر پایه‌های استوار و شایسته آن عصر بنیاد نهادند (امام شوشتری، ۱۳۶۹: ۱۲۲).

به دلیل فقر منابع و متون تاریخی و حفاری‌های باستان‌شناختی، مورخ امروزی هنوز به‌درستی نمی‌تواند، درباره وضعیت تعلیم و تربیت و فرهنگ نوشتاری این منطقه در عصر هخامنشیان سخن بگوید. اما بر اساس اسناد و مدارک ناقص و پراکنده می‌توان گفت: که در این منطقه از جنوب فلات ایران خط و کتابت مرسوم بوده؛ و تعلیم و تربیت رواج محدودی داشته است (یاحسینی، ۱۳۸۶: ۵۵).

در دوره سلوکیان نیز ریشهر به‌عنوان بندری از سواحل پررونق خلیج‌فارس همچنان موردتوجه بوده است .چنانکه در این دوره ارتباط دریایی میان بنادر و سواحل خلیج‌فارس و هندوستان و شرق پیوسته دایر بوده است و ریشهر نیز از جریان رونق تجاری

1 Skylax

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

خلیج‌فارس برخوردار بوده است. برخی محققان معتقدند که از نتایج طبیعی وجود شهری یونانی‌نشین در شبه‌جزیره بوشهر رواج خط و زبان یونانی در این برهه بوده است (یارشاطر، ۱۳۶۸: ۱۱۴). در این دوره خلیج‌فارس، همچنان از موقعیت قابل‌توجهی برخوردار بود؛ و تسلط بر این نقطه و راه‌های آبی آن نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط ایران و روم ایفاء می‌کرد. چنانکه در این دوره پارتیان توانمندانه، راه نفوذ رومیان را در خلیج‌فارس گرفته بودند و اجازه نمی‌دادند، جز ایرانیان مردم دیگری بر خلیج‌فارس، که حکم دریای داخلی اشکانیان را داشت نفوذ کنند (رائین، ۲۵۳۶: ۲۲۹).

برخی مورخان معتقدند، که در دوره پارتیان و شاید حتی پیش‌تر از آن، بخشی از بازرگانی دریای خلیج‌فارس از طریق شبه‌جزیره بوشهر (ریشهر) که در کتاب بطلمیوس ذکرشده به گور (در استان فارس) می‌رسید و ازآن جابه‌جاهای دیگر انتقال پیدا می‌کرد (یارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۵۳) . از طرف دیگر کشف انبوهی از تکه سفال‌های دوران اشکانی، در کنار دیوار غربی ساحل بوشهر و گورستان پارتی لیان که درانتهای دیواره حصار قلعه ریشهر وجود دارد، مبین آن است، که درروی لایه باستانی عیلامی، لایه یک شهر پارتی قرار داشته است (نبی پور، ۱۳۷۹: ۳). علاوه بر این یافته شدن یک ته ستون شگفت‌انگیز در کنار گورستان شغاب، در شن‌های ساحل دریا که در زیر بقایای ساختمان‌های سنگی و گچی جای گرفته است، نیز می‌تواند بیانگر وجود یک معبد پارتی در این مکان باشد. این ته ستون در ابتدای یک اسکله باستانی جای دارد؛ که این اسکله به‌منظور پهلوگیری کشتی‌های پارتی از سنگ‌های بزرگ منظمی ساخته‌شده بود، که نقش موج‌شکن بندر را ایفا می‌کرده است.

با توجه به یافته‌های فوق به نظر می‌رسد، که بندر ریشهر یکی از بنادر فعال دوره پارتیان بود، که نه‌تنها با منطقه جنوب شرقی ایران و مناطق ساحلی خلیج‌فارس، بلکه با هندوستان و بین‌النهرین ارتباط تنگاتنگی داشته است.

ازلحاظ اقتصادی تمایل زیاد شاهان ساسانی جهت ساخت شهر ــ بندرهای متعدد در سواحل شمالی و جنوبی خلیج‌فارس[۱] بیان‌کننده علایق نیرومند اقتصادی آنان برای کسب درآمد بازرگانی خارجی درمسیرهای آبی است.

منازعات ساسانیان با امپراطوری روم شرقی که عمدتاً به دلیل کنترل بر جاده ابریشم و به‌ویژه بر سر مسئله ارمنستان صورت می‌گرفت، باعث شد در اواخر دوره ساسانی، رونق تجارت در جنوب از اعتبار بیشتری برخوردار گردد. به همین دلیل بنادر خلیج‌فارس نقش ویژه‌ای را در تجارت غرب و شرق ایفا نمودند. (دریایی،۱۳۸۴: ۴۷).

بنابراین حکومت ساسانی باقدرت سیاسی، نظامی و دریایی خویش و اقتدار ناشی از عظمت و شکوه فرهنگ و تمدن ایرانی در آن عهد، با ایجاد و بسط امنیت دریایی و تجاری که مهم‌ترین رکن در جوامع تجاری و ساحلی به شمار می‌رود، شرایط لازم را برای رونق تجارت و دریانوردی و حفظ امنیت دریا و راه‌های دریایی را مهیا کرد. تحت این اقتدار و قدرت ساسانی بود که بنادری همچون ریشهر از رونق برخوردار بود.از طرف دیگر پدیده شهرنشینی و صنعت دریانوردی در حاشیه شمالی خلیج‌فارس یا کرانه‌های ایرانی این خلیج از روزگاران پیش به حضور بندرهای آباد و پررونق و معتبر منجر شد، که توجه همه بازرگانان آن روزگاران را به خود جلب کرد. ازجمله این بندرها ریشهر یا ریو اردشیر بود. ریشهر پرکسان به معنای ایستگاه گمرکی خوانده می‌شد؛ و مرکزی برای انبار کالاهای وارداتی و صادراتی ازجمله مروارید بود (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۴۶).

بدین ترتیب شکوه مجدد ریشهر در عصر ساسانی تجلّی کرد. لنگرگاه و بارانداز ریشهر به‌واسطه عمق آب در اطراف آن سبب ایجاد بندرگاه پررفت‌وآمدی شد و طبیعی است که آمدورفت کشتی‌ها و مبادله کالا وجود بازارهای پررونق را در این منطقه اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت (حمیدی،۱۳۷۳: ۲۸) . اهمیت این بندر چنان بود، که ریشهر با جاده‌ای به کازرون و شیراز وصل می‌شده و از آن راه کالاهای صادراتی به مناطق دیگر حمل می‌شد. همچنین نزدیکی آن به مرکز استان فارس آنجا را به بندر مهمی تبدیل

---

۱. منابع عربی ــ اسلامی هنگام شرح فتوح مسلمانان در نواحی ساحل خلیج فارس، از بنادر آباد و فعالی مانند: ابله در جنوب بصره کنونی، ری شهر، مهروبان، سیراف، سینیز، جنابه (گناوه) بر سواحل شمالی خلیج‌فارس و جواثا در بحرین یاد کرده‌اند؛ (بلاذری، ۹۶، ۲۶۰- ۲۵۹، ۲۶۳- ۲۶۲؛ ابن اعثم کوفی، ۵۰؛ ابن بلخی، ۲۷۱).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

کرده بود. از طرف دیگر بندرهایی مانند: ریشهر در زمان ساسانیان، باعث شده بود، فارس به مرکز تجاری مهمی بدل شود و نه‌تنها کالاها به فارس آورده می‌شد، بلکه از آن جا به شهرهای دیگر نیز حمل می‌شد. (دریایی،۱۳۸۴: ۱۵۰).

احتمال می‌رود که بازرگانان ریشهر هم در این دوره همانند بازرگانان سیراف با توجه به اهمیت تجارت خلیج‌فارس برای ساسانیان بخشی از فعالیت با چین را به عهده داشته باشند. (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). به‌گونه‌ای که حتی یکی از دلایل رونق سیراف را برخورداری از مسیر راه‌های دریایی نیز با مناطق مختلفی ازجمله ریشهر ذکر کرده‌اند. چنانکه ابن خردادبه هم روابط تجاری سیراف را با مناطق مختلف کرانه‌ای خلیج‌فارس و فواصل کشتیرانی میان آن مناطق ساحلی را نیز بیان نموده است. (ابن خردادبه، ۱۳۷۱، ۴۷-۴۶) وی همچنین بندر سیراف را مرکز بازرگانی بزرگی بیان می‌کند، که در ردیف بندر ریشهر قرار می‌گرفته است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۵۲).

به‌این‌ترتیب ریشهر احتمالاً از مراکز مهم بازرگانی بوده، که نه‌تنها واردات کالا از آن جا به شهرهای داخلی انجام می‌گرفت؛ بلکه توقف‌گاهی برای کالاهایی بود که از بین‌النهرین به‌سوی آسیا، و شرق آفریقا و بالعکس روان بودند. چنانکه دریانوردان دریای پارس که محصولات کشاورزی و صنعتی و صنایع ظریفه ساخت ارجان را از راه آسک[1] و ده ملا (کوره رستاق ساسانی) به بندر ریشهر رسانیده و از آن جا به نواحی اقیانوس هند می‌برده‌اند. (فضلی نژاد، ۱۳۸۶: ۸۷).

منابع تاریخی از محصولات صادراتی ارجان که از طریق ریشهر به نواحی مختلف صادر می‌گردیده، سخن گفته‌اند به‌ویژه محصولاتی مانند شربت خرما(دوشاب)، شیره انگور، روغن‌زیتون، صابون و انواع مختلف پارچه (اقتداری، ۱۳۷۵: ۲۶۳).

همچنین دریکی از متون جغرافیایی منسوب به موسی خورنی[2] از این شهر به ریشهری پارسان (ریشهر بندر گمرکی)، مرکز مرواریدهای اعلاء یادشده است (وایت هاوس و ویلیامسن، ۱۹۸۷: ۴۲). بنابراین موقعیت مناسب بندری ریشهر و قرار گرفتن آن بر سر راه هندوستان و فاصله متعادل با مناطق حوزه جنوبی خلیج‌فارس، این بندر را از بدو تأسیس موردنظر بازرگانان، پیشه‌وران قرار داده است، تا آنجا که نه‌تنها بازرگانان داخلی، بلکه بازرگانان خارجی نیز پیوسته به این بندر رفت‌وآمد داشته‌اند. بنابراین احتمال می‌رود، که رونق بنادر و سواحل خلیج‌فارس باعث شده بود که اعراب قیس، تمیم و بکربن‌وائل در عهد شاپوردوم (۳۰۹ – ۳۷۹ م) به سواحل خلیج‌فارس حمله نمایند؛ که این حملات حکایت از رونق و آبادانی این مناطق داشته است. (طبری، ۱۳۶۲: ۶۰۴). زیرا که سواحل خلیج‌فارس و جزایر آن به روایت موسی خورنی، جزئی از استان پارس، سرزمین اصلی ساسانیان به‌حساب می‌آمده است. همچنین به سال(۴۳۰ میلادی) مقر مطران‌نشین مسیحیان «ریواردشیر» یا ریشهر بوده است. (مارکوارت، ۱۳۸۳: ۶۳).

درباره پیشینه فرهنگی ریشهر باستان در دوره ساسانیان در قالب تعلیم و تربیت، دانشگاه، خط، موسیقی، کتابت و... دانستنی‌های ما تا دوره ساسانیان فراتر نمی‌رود. این اطلاعات هم در صورتی قابل‌پذیرش، است که در نقل آنچه می‌گوییم، جانب احتیاط را رعایت نماییم. اما بر اساس اسناد و مدارک تاریخی و اظهارنظر مورخان عصر اسلامی و مستشرقان غربی و کسانی که درباره تاریخ فرهنگ و علم و دانش در جهان اسلام پژوهش و مطالعه کرده‌اند، تاریخ تأسیس نهادهای فرهنگی و به‌خصوص دانشگاه و مراکز آموزش عالی دراستان بوشهر، نه در دوران قاجار، و نه حتی در قرون سوم و چهارم هجری بلکه یکی دو قرن قبل از ظهور اسلام بوده است. شاید در برخورد اول برای بسیاری این مطلب دور از ذهن باشد، که استان بوشهر در دوران ایران باستان دارای دانشگاه و تأسیسات فرهنگی پیشرفته بوده است. بررسی متون تاریخی این ادّعا را به‌خوبی به اثبات می‌رساند، که این منطقه باستانی نه‌تنها دارای یک دانشگاه بلکه دارای دو مرکز آموزش عالی در مناطق «ریواردشیر»، (ریشهر باستان) و سینیز(دیلم) بوده است (یاحسینی،۱۳۸۶: ۶۷). «ولیسی اولیری»، نخستین مورخ و محقق غربی که به وجود دانشگاه در شبه‌جزیره بوشهر و دیلم اذعان

1 Asak
2 Moses of Chorene

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

کرده است و عمر خود را صرف پژوهش درباره چگونگی و کیفیت انتقال علوم یونانی به دنیای مسلمین و تأثیر این علوم در ساختار فرهنگ مسلمانان کرده است، بر این باور است که در اواخر دوران ساسانیان در سراسر ایران سه دانشگاه وجود داشته است که یکی در جندی‌شاپور خوزستان و دو تا در استان فعلی بوشهر، یکی در منطقه ریواردشیر و دیگری در منطقه سینیز قرار داشته است (اولیری، ۱۳۵۵:۱۱۰).

هرچند می‌دانیم که در عصر ساسانیان تعلیم و تربیت عمومی نبوده و تنها در انحصار قشر خاصی بوده است. اغلب قریب به‌اتفاق مردم شهری و روستایی بی‌سواد بودند. در هر منطقه تعداد افرادی که با خط و کتابت پهلوی سروکار داشتند بسیار نادر بوده است (دریایی، ۱۳۸۳: ۵۲). لذا طبیعی است، که چنین وضعی بر ریشهر نیز حاکم بوده باشد؛ اما اسلام که به جنوب ایران و ریشهر راه یافت، وضع اندکی دگرگون شد.

ابواسحاق ابراهیم اصطخری مؤلّف «المسالک و الممالک» درباره خط و زبان‌های رایج در پارس و مناطق ساحلی کرانه‌های شمالی خلیج‌فارس نوشته است: «مردمان گرمسیر [...] و ایشان را سه زبان است: پارسی که با یکدیگر گویند، و اگرچه در ناصیت‌ها تفاوتی باشد، همه یکسان بود، همه پارسی، زبان یکدیگر بدانند و لغت پوشیده نماند. زبان پهلوی [...] آن را به تفسیر حاجت بود، و زبان تازی [عربی] ــ کی امروز در دیوان‌های پادشاهان، مکاتبات و معاملات به تازی است ــ آموختند.» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۲۰).

ذبیح‌الله صفا به نقل از «یاقوت حموی» در خصوص رواج خط دری شهر پیش از اسلام می‌نویسد:

«در آنجا عده‌ای از دانشمندان گردآمده بودند و با خطی به نام «گستج» مطالبی در طب و نجوم و علوم غریبه تدوین می‌کنند... بیت اردشیر یا ریواردشیر (ریشهر) یکی از مراکز مهم علوم عقلی در ایران پیش از اسلام بود و «معنا بیت اردشیری معروف به معنی ایرانی در آن ریاست داشت... تعلیم علوم یونانی در حوزه دینی ریشهر رواج یافت، و به همین سبب است که در روایات مولفان اسلامی راجع به اهمیت علمی ریشهر مطالبی می‌یابیم» (صفا، ۱۳۵۱: ۹۷/۱).

افول اهمیت و شکوفایی بندر ریشهر

به دنبال ورود اسلام به ایران، سپاهیان عرب شهر مهم و استراتژیک «ریشهر» یا «راشهر» را فتح کردند. در این نبرد «شهرک» فرمانده ساسانی فارس و پسرش کشته شدند (ابن بلخی، ۱۳۷۴ : ۲۷۲). شدت این جنگ و مقاومت مردم این ناحیه چنان بود که برخی از مورخان مسلمان اهمیت سقوط ریشهر، و فتح آن را برابر با فتح قادسیه دانسته‌اند (طبری،۱۳۶۲،۲/ ۲۰۰۹؛ بلا ذری،۱۳۴۶: ۵۴۰). پس از این پیروزی که به دنبال جنگی شدید به دست آمد(حموی، ۱۹۷۷: ۱۱۳/۳)، شهرها و مناطق دیگر، یکی پس از دیگری فتح شد. از این رو شاید بتوان گفت که فتح ریشهر یکی از راه‌های مهم ورود اسلام به ایران بود، چراکه پس‌ازآن تمام مملکت فارس و سواحل خلیج ایران تا سال (۲۳ هجری) به تصرف اعراب درآمد. پس از فتح ریشهر توسط سپاه اعراب مسلمان در منابع ذکری از فعال بودن این جزیره نشده است. در منابع مورخان اسلامی نام ریشهر گاه به‌صورت معرب به‌عنوان «ریضهر» اشاره‌شده و گاه نیز آن را به‌عنوان «راشهر» ضبط کردند.چنانکه بلاذری در مورد چنین آورده است:

«آمدن اعراب به فارس بر شهرک مرزبان و والی فارس گران آمد؛ و دشوار افتاد و خبر دلیری ایشان و پیروزی آنان بر هر دشمنی که سر راهشان بوده است، به سمع وی رسید و سپاهی عظیم گردآورد و برفت تا به راشهر از سرزمین شاپور رسید که نزدیک توج است....خداوند مشرکان را هزیمت کرد و راشهر به عنوه گشوده شد» (بلاذری،۱۳۴۶: ۲۵۸).

حمدالله مستوفی نیز در نزهه القلوب در باب «ریضهر» یا ریشهر نوشته است: «ریضهر ــ پارسیان آن را ریشهر خوانند و بربیان معروف است» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۳۰).به لحاظ تاریخی ذکر این نکته لازم است، که از وضعیت ریشهر پس از فتح آن به دست مسلمانان تا احیای دوباره آن در دوره نادرشاه افشار اطلاعات بسیار اندکی در منابع به چشم می‌خورد. چنانکه اغلب

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

جغرافی‌نویسان مسلمان تنها به ذکر نام این بندر و جایگاه جغرافیایی آن (حدود العالم، ۱۹۷۰: ۱۴۶) و یا ماجرای فتح آن توسط مسلمانان بسنده کرده‌اند (حموی،۱۹۷۷ :۱۱۳/۳).گاه نیز در منابع اسلامی قرون اولیه اسلامی هیچ نام و نشانی از این بندر مهم دوره ساسانی به چشم نمی‌خورد. چنانکه حتی قدامه‌بن‌جعفر، که خود اهل بصره بوده و شناخت کاملی از شهرها و بنادر خلیج‌فارس داشته و در حوالی سال (۳۲۷ هــق/۹۳۹ م) درگذشته است، در کتاب معروف خود به نام «کتاب الخراج» اگرچه نام ابر شهر را در ناحیه‌ای از خراسان برده است، اما هیچ اشاره‌ای به این نام در سواحل و بنادر شمالی خلیج‌فارس نکرده است (ابن‌جعفر، ۱۳۷۰: ۱۴۱). اهمیت این مسئله ازاین‌روست که کتاب قدامه‌بن‌جعفر، یک کتاب رسمی برای اخذ خراج توسط دولت و خلافت عباسی بوده است، و ظاهراً کلیه مطالب خود را از آرشیوهای دولتی عباسیان به دست آورده است. به نظر می‌رسد که شدت تهاجم و ضربه‌ای که مسلمانان در جریان فتح ریشهر به این شهر باستانی وارد کردند چنان سنگین بود که موجب شد تا ریشهر مرکزیت و اهمیت خود را برای چندین قرن از دست بدهد و به شهری متروک و منزوی مبدل شود (مشایخی، ۱۳۸۲ :۲۱). به نظر می‌رسد حمله اعراب مسلمان و به دنبال آن خالی شدن این منطقه از سکنه به جهت جنگ و ویرانی و شیوع امراض ازجمله عواملی بود که موجب متروک شدن ریشهر پس از فتح این شهر توسط اعراب شد. پس‌ازآن نیز عواملی چون عدم توجه اعراب مسلمان به اهمیت اقتصادی و تجاری این ناحیه و جنگ‌های متعدد حکام محلی در ناحیه خلیج‌فارس موجب افول و نزول جایگاه بندر ریشهر شد .

نتیجه‌گیری

خلیج‌فارس بنا به دلایل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و نظامی همواره موردنظر جنگجویان و کشورگشایان جهان قرارگرفته است. بر همین اساس از روزگار باستان سواحل و بنادر آن موردتوجه همه حکومت‌هایی که در ایران بر سرکار آمده‌اند، بوده است. یکی از این بنادر، بندر باستانی و تاریخی ریشهر باسابقه‌ای بس طولانی می‌باشد. به‌گونه‌ای که پیشینه جغرافیای تاریخی آن به دوره عیلام و ایران باستان بازمی‌گردد. این منطقه از قدیم‌ترین ایام نام‌های گوناگونی داشته است. در دوره عیلام این ناحیه «لیان» خوانده‌شده و در روزگار هخامنشیان "ریشا" و سپس در دوره سلوکیان «انطاکیه پارس»، در عصر ساسانی «ریشهر» خوانده می‌شد. در زمان سلسله عیلام پل ارتباطی عیلام با نواحی اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا بوده است. این رونق در زمان هخامنشیان ادامه می‌یابد؛ چراکه ساخت چندین کاخ در ناحیه توّج نزدیک ریشهر توسط پادشاهان هخامنشی برای احاطه آن‌ها بر خلیج‌فارس بیانگر اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ریشهر در آن زمان می‌باشد. این جایگاه به روزگار ساسانیان به اوج می‌رسد. زیرا ریشهر به‌عنوان یک بندر استراتژیکی و ترانزیتی هم در مسیر راه‌آبی ابریشم و هم در مسیر هند قرار داشته، که موجب شده از نقش باراندازی مهمی در داخل و خارج برخوردار باشد، و همچنین از مراکز مهم صدور مروارید و کالا به هندوستان و آفریقا به شمار می‌رفته است. با سقوط ساسانیان و فتح ایران به‌دست‌آمده اعراب مسلمان، بندر ریشهر طی یک نبرد خونین و سخت به تصرف آن‌ها درآمد و با این هجوم، این بندر رو به انحطاط و نابودی گذاشت. ضربه‌ای که اعراب مسلمان، به این شهر وارد آوردند، موجب شد، تا ریشهر مرکزیت و اهمیت خود را برای چندین قرن از دست بدهد و به شهری متروک و منزوی مبدل گردد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

منابع و مآخذ

- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۸۶)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن بلخی (۱۳۷۴)، فارسنامه، تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز بنیاد فارس شناسی، چاپ اول.
- ابن جعفر، قدامه (۱۳۷۰)، الخراج، ترجمه و تحقیق دکتر حسین قره چانلو، تهران، نشر البرز، چاپ اول.
- ابن خردادبه (۱۳۷۱)، مسالک و الممالک، ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه ای از آندرومیکل، تهران، انتشارات میراث ملل.
- اتابک زاده، سروش (۱۳۷۳)، جایگاه دشتستان در سرزمین ایران، به نقل از عبدالکریم مشایخی، شیراز، انتشارات نوید، چاپ اول.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۷)، مسالک و الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۱)، درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان (تاریخ اشکانیان)، به کوشش نعمت احمدی، تهران، انتشارات اطلس، چاپ اول.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲)، نام خلیج‌فارس بر پایه اسناد تاریخی، تهران، انتشارات صدیقی.
- اقتداری، احمد (۱۳۴۴)، خلیج‌فارس، تهران: انتشارات ابن‌سینا، چاپ اول.
- اقتداری،احمد (۱۳۴۸)، آثار شهرهای باستانی ایران (سواحل و جزایر خلیج‌فارس و دریای عمان)، تهران، انتشارات دانشگاه انجمن آثار ملی، چاپ اول.
- اقتداری،احمد (۱۳۷۵)، خوزستان و کهگیلویه و ممسنی، جغرافیای تاریخی و آثار باستانی، تهران، مؤسسه فرهنگی آبان، چاپ دوم.
- اکبری، حسن (۱۳۸۱)، ایلام و ایلامی‌ها، مجله باستان پژوهی، شماره ۹.
- امام شوشتری، سید محمدعلی (۱۳۶۹)، منابع اقتصادی در خلیج‌فارس (مجموعه مقالات خلیج‌فارس)، تهران، مرکز مطالعات خلیج‌فارس دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- آمیه، پیر (۱۳۸۴)، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، جلد پنجم، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
- اولیری، ولیسی (۱۳۵۵)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ دوم.
- بریان، پی یر(۱۳۷۹)، تاریخ امپراطوری هخامنشیان، ترجمه مهدی سمسار، جلد دوم، تهران، انتشارات زریاب، چاپ سوم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، فتوح البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه آذرتاش آذر نوش، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بلاذری،احمدبن یحیی (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه و مقدمه و تحشیه دکتر محمد توکل، تهران، انتشارات نشر قطره، چاپ اول.
- بویس، مری (۱۳۷۴)، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، جلد اول، تهران، انتشارات توس، چاپ اول.
- پزار، موریس (۱۳۸۴)، مأموریت در بندر بوشهر (گزارش حفاری‌ها و مطالعات باستان‌شناسی)، ترجمه سید ضیاء مصلح، توضیحات و تعلیقات غلامحسین نظامی، بوشهر، انتشارات شروع، چاپ اول.
- پیرنیا، حسن (۱۳۶۹)، ایران باستان، جلد اول، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ چهارم.
- حدود العالم من المشرق و المغرب (۱۹۷۰)، بی‌جا، دارالثقافیه.
- حمیدی، سید جعفر (۱۳۷۳)، خلیج‌فارس شاهراه تجارت شرق و غرب، مجله سیراف فصلنامه علمی ـ آموزشی و تربیتی، بهار.
- حمیدی،سید جعفر (۱۳۸۰)، فرهنگ‌نامه بوشهر، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- حمیدی،سید جعفر (۱۳۸۴)، استان زیبای بوشهر، بوشهر: انتشارات شروع، چاپ اول.
- دانداماییف،م.ا (۱۳۵۸)، تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان، ترجمه میر کمال نبی پور، تهران، نشر گسترده.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳)، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- دریایی،تورج (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ دوم.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۸۲)، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]

- رائین، اسماعیل (۱۹۷۸)، دریانوردی ایرانیان، جلد اول، تهران، نشر مؤلف، چاپ اول.
- رکن زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۶۹)، اوضاع اجتماعی خلیج‌فارس، مجموعه مقالات خلیج‌فارس، تهران، مرکز مطالعات خلیج‌فارس دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول.
- سرفراز، علی‌اکبر (۱۳۸۱)، اکتشافات اخیر باستان‌شناسی در حاشیه خلیج‌فارس، بوشهر، سالنامه میراث لیان، اردیبهشت.
- سرفراز،علی‌اکبر (۱۳۸۳)، اهمیت تاریخی چرخاب برازجان، بوشهر، سالنامه میراث لیان، اردیبهشت.
- صفا، ذبیح ا... (۱۳۵۱)، تاریخ ادبیات ایران، جلد اول، تهران انتشارات ابن‌سینا.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳)، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد پنجم، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ سوم.
- فضلی نژاد، احمد (۱۳۸۶)، روابط تاریخی ارجان (بهبهان) با بنادر خلیج‌فارس، پژوهشنامه خلیج‌فارس، جلد دوم، بی‌جا، بی‌نا.
- کالج، مالکوم (۱۳۸۰)، اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ اول.
- کامرون، جورج (۱۳۶۵)، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، بی‌جا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- کیان راد، حسین، بابایی درمتی، علی (۱۳۸۶)، سفرنامه نئارخوس، پژوهش خلیج‌فارس شناسی ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا،جلد دوم، تهران.
- گریشمن، رومن (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم.
- مارکوارت، پروفسور یوزف (۱۳۸۳)، ایرانشهر در جغرافیای بطلمیوس، ترجمه دکتر مریم میر احمدی، تهران، انتشارات طهوری،چاپ اول.
- مجید زاده، یوسف (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، انتشارات مرکز دانشگاهی، چاپ اول.
- مستوفی، احمد (بی‌تا)، سفر دریایی نئارخوس در سواحل عمان و خلیج‌فارس، مجله دانشکده ادبیات، جلد سوم، شماره ۴.
- مستوفی، حمدا... (۱۳۶۲)، نزهت‌القلوب، به تصحیح گای لیسترانج، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول.
- مشایخی،عبدالکریم (۱۳۸۲)، عیسویان در بوشهر، بوشهر، انتشارات بوشهر.
- معین، محمد (۱۳۷۴)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم.
- منشی، اسکندر بیگ (۱۳۷۷)، عالم‌آرای عباسی، تصحیح اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم.
- میر فتاح، سید علی‌اصغر (۱۳۷۴)، گورستان شغاب عرضه داشت در هوای آزاد و دفن به شیوه استخوان دان، مجله اثر، شماره ۲۵.
- نبی پور، ایرج (۱۳۷۹)، بوشهر حلقه گمشده تاریخ دریانوردی اشکانیان، هفته‌نامه نسیم جنوب، سال سوم، شماره ۱۲۷، بهمن‌ماه.
- نبی پور،ایرج (۱۳۸۲)، در ژرفای دریانوردی ایرانیان، سالنامه میراث لیان، اردیبهشت.
- هینتس، والتر (۱۳۷۱)، دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروز نیا، ویراسته منصوره کاویانی، بی‌جا، انتشارات علمی وفرهنگی،چاپ اول.
- وایت هاوس، دیوید و اندرو ویلیامسن (۱۹۷۷)، بازرگانی دریایی ساسانیان، ترجمه اسدا... ملکیان، تهران، کشتیرانی آریا.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۷)، خلیج‌فارس فرهنگ و تمدن، تهران، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول.
- ویلسون، سر آرنولد (۱۳۴۸)، خلیج‌فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.
- یا حسینی، سید قاسم (۱۳۸۶)، سرنوشت غم‌انگیز اولین کتابخانه بوشهر و کتابخانه لیان، هفته‌نامه نسیم جنوب، شماره۳۶۲.
- یاحسینی،سید قاسم (۱۳۸۷)، نام‌های بندر بوشهر در تاریخ، تهران، انتشارات طلوع دانش، چاپ اول.
- یار شاطر، احسان (۱۳۶۸)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (کیمبریج)، ترجمه حسن انوشه، قسمت اول، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین (۱۹۷۷)، معجم البلدان، جلد سوم، بیروت، دارصار.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.175]